

هدف اصلی در کمک به دیگران باید توانمندسازی باشد

■ مسئولیت اجتماعی در نگاه عمومی بیشتر با عملکرد دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی گره خورده است؛ اما این مفهوم تنها در سطح نهادها معنا پیدا نمی‌کند و بخشی از آن به رفتار افراد در قبال یکدیگر و جامعه بازمی‌گردد. با این حال، مرز میان «مسئولیت اجتماعی»، «رفتار شهروندی»، «خیرخواهی» و «همیاری» چندان روشن نیست و نمی‌توان هر نوع کمک به دیگری را به‌سادگی در قالب مسئولیت اجتماعی تعریف کرد.

امیرمحمد شهسوارانی، جامعه‌شناس و روانشناس اجتماعی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به همین تمایز گفت: در ادبیات اجتماعی، میان مسئولیت اجتماعی، وظیفه اجتماعی و رفتار مسؤولند تفاوت‌هایی وجود دارد. مسئولیت اجتماعی در بسیاری از موارد به اقداماتی گفته می‌شود که فراتر از تکالیف قانونی یک سازمان یا نهاد انجام می‌گیرد، اما در سطح افراد نیز مفاهیمی مانند «رفتار مسؤولند اجتماعی» و «رفتار شهروندی» مطرح است. | صفحه ۱۰

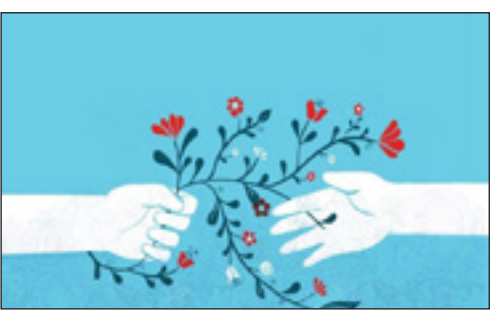
»

کمک‌هایی با ارزش تر از پول

خودمانی

وقتی حرف از کمک کردن می‌شود، معمولاً اولین چیزی که به ذهنمان می‌رسد دادن پول است؛ چند میلیون تومان که دستی به کسی می‌دهیم تا گری‌ی از کارش باز شود، یا مبلغی که برای مدتی از دوست و فامیل می‌گیریم تا اجاره خانه، شهریه مدرسه، هزینه درمان یا خرج یک کار ضروری را جور کنیم، اما اگر کسی به زندگی‌های خودمان نگاه کنیم، می‌بینیم که خیلی وقت‌ها چیزهای دیگری را هم به یکدیگر می‌دهیم؛ چیزهایی که شاید در حساب‌های بانکی جایی نداشته باشند، اما گاهی ارزششان از پول بیشتر است.

گاهی یک نفر، یک ساعت از وقتش را به دیگری می‌دهد. یکی برای رساندن سالمند همسایه به در مانگاه وقت می‌گذارد، دیگری چند ساعت از فرزند دوستش مراقبت می‌کند تا مادرش به کاری ضروری برسد. یکی برای تعمیر شیر آب خانه همسایه دست به کار می‌شود و دیگری برای نوشتن یک نامه اداری یا ثبت‌نام اینترنتی به کسی کمک می‌کند که با این کارها ناشناسیت، هیچ‌کدام پول بزرگی جابه‌جانی کنند، اما چیزی میان آدم‌ها رد و بدل می‌شود که اگر نباشد، زندگی سخت‌تر می‌شود.



قدیم‌ترها، همسایه فقط کسی نبود که در خانه دیوار به دیوار ما زندگی می‌کرد. اگر نان در خانهای تمام می‌شد، در خانه دیگری را می‌زدند. اگر کسی بیمار می‌شد، چند نفر سراش را می‌گرفتند. اگر خانواده‌ای برای ازدواج، اجاره‌خانه یا پرداخت بدهی به مشکل می‌خورد، فامیل دورهم جمع می‌شدند و هر کس به اندازه توانش چیزی می‌گذاشت. شاید پول زیادی در کار نبود، اما یک شبکه انسانی وجود داشت که نمی‌گذاشت آدم در سختی احساس کند همه درها به رویش بسته شده‌است. البته امروز شرایط زندگی تغییر کرده است. شهرها بزرگ‌تر و خانواده‌ها کوچک‌تر شده‌اند و آدم‌ها بیشتر از گذشته درگیر کار و هزینه و گرفتاری‌های خودشان هستند. فناوری هر شکل ارتباط را عوض کرده‌است، در تلفن‌همراهان صداهای شماره‌داریم و در شبکه‌های اجتماعی با آدم‌های زیادی در ارتباطیم، اما گاهی از حال همسایه دیوار به دیوار مان خبر نداریم. ممکن است عکس سفر و غذای همدیگر را ببینیم، اما ندانیم کدام‌یک از دوستانمان این روزها برای پرداخت اجاره‌خانه یا هزینه درمان یکی از اعضای خانواده‌اش نگران است. شاید بخشی از مسئله همین جاشد؛ ما بیش از گذشته کنیم، برای شروع به لازم نیست حتماً صندوقی تشکیل دهیم یا حسابی پر از پول داشته باشیم. کافی است بدانیم هر کدام از ما چیزی برای بخشیدن داریم. یکی پول دارد، یکی وقت دارد، یکی مهارت دارد، یکی وسیله‌ای دارد که ماهه‌است از آن استفاده نکرده‌است و دیگری فقط می‌تواند گوش بدهد و پای در دلد یک آدم خسته بشیند. اینها نمی‌توانند.

یک دانشجو می‌تواند به بچه همسایه ریاضی یاد بدهد. یک معلم بازنشسته می‌تواند هفته‌ای چند ساعت به دانش‌آموزان محله کمک کند. یک جوان می‌تواند خریدهای سالمند همسایه را انجام دهد. کسی که خودرو دارد، می‌تواند گاهی همسایه‌ای را که وسیله رفت‌وآمد ندارد، به مقصد برساند. کسی که کار فنی بلد است، می‌تواند به‌جای اینکه برای هر کار کوچکی دیگران را گرفتار هزینه کند، یک ساعت از وقتش را برای حل مشکل همسایه بگذارد. در مقابل، ممکن است همان آدمی که امروز کمک می‌گیرد، فردا دست دیگری را بگیرد. این همان تفاوت مهم میان خیرخواهی و همیاری است. در خیرخواهی، معمولاً یک نفر می‌دهد و نفر دیگری می‌گیرد، اما در همیاری، رابطه دوطرفه است. ممکن است امروز من به تو کمک کنم و فردا خودم به کمک تو یا شخص دیگری نیاز داشته باشم. بنابراین، همیاری فقط حل یک مشکل فوری نیست؛ ساختن شبکه‌ای از اعتماد است که در روزهای سخت به کار می‌آید. وقتی کتابی را به دوستانم می‌دهیم تا بخوانند، ابزارمان را در اختیار همسایه می‌گذاریم، تجربه کاری‌مان را با یک جوان جویای کار در میان می‌گذاریم یا ساعتی از وقت خود را برای آموزش دیگری صرف می‌کنیم، در واقع بخشی از سرمایه شخصی‌مان را وارد یک رابطه اجتماعی می‌کنیم. این سرمایه ممکن است دوباره و دقیقاً از همان مسیر به ما برنگردد، اما در یک شبکه بزرگ‌تر گردش می‌کند.

فرض کنیم در محله، ۲۰ نفر تصمیم بگیرند هر کدام ماهانه فقط دو ساعت از وقتشان را برای دیگران اختصاص دهند. یکی کار فنی بلد است، یکی خیاطی، یکی آموزش زبان، یکی رانندگی، یکی مراقبت از سالمندان و دیگری کار با رایانه. در چنین محله‌ای، ۲۰ نفر فقط ۲۰ نفر نیستند؛ مجموعه‌ای از توانایی‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌است که می‌تواند بخشی از مشکلات زندگی را بدون پرداخت هزینه‌های سنگین حل کند. حتی می‌توان برای چنین همیاری‌هایی اعتبار زمانی در نظر گرفت، یعنی اگر کسی یک ساعت از وقتش را برای دیگری صرف کرد، آن یک ساعت به‌عنوان یک اعتبار اجتماعی برای او ثبت شود تا در آینده، خودش یا یکی از اعضای خانواده‌اش بتواند از کمک یک عضو دیگر استفاده کند. در این مدل، پول از مرکز رابطه کنار می‌رود و زمان و مهارت جای آن را می‌گیرد. تعاون می‌تواند از خانواده شروع شود. از اینکه اگر یکی از اعضای خانواده برای راه‌اندازی کسب‌وکار، ازدواج، اجاره‌خانه یا تحصیل نیاز به کمک دارد، همه بار را فقط روی دوش یک نفر نگذاریم. می‌تواند در میان دوستان شکل بگیرد؛ دوستانی که به‌جای اینکه فقط در روزهای خوش کنار هم باشند، در روزهای سخت نیز پشت یکدیگر بایستند. می‌تواند در محله شکل بگیرد؛ جایی که سالمندان، خانواده‌های دارای بیمار، کودکان و افراد کم‌توان احساس نکنند در میان انبوه آدم‌ها تنها مانده‌اند. حتی مدرسه هم می‌تواند محل تمرین این فرهنگ باشد. پدر و مادری که در حد توانشان برای حل یک مشکل مدرسه وقت می‌گذارند، والدینی که تجربه یا تخصص خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند یا خانواده‌هایی که برای رفع نیاز یک دانش‌آموز در کنار هم قرار می‌گیرند، در واقع چیزی بیشتر از یک مشکل کوچک را حل می‌کنند؛ آنها به کودکان نشان می‌دهند که زندگی فقط رقابت برای بیشتر داشتن نیست.

شاید لازم باشد دوباره یاد بگیریم که همیشه قرار نیست همه‌چیز را بخیریم. گاهی می‌توانیم چیزی را از دیگری قرض بگیریم، گاهی می‌توانیم چیزی را قرض بدهیم. گاهی می‌توانیم مهارتمان را در اختیار کسی بگذاریم. گاهی فقط باید یک ساعت کنار آدمی بشینیم که روزهای سختی را می‌گذراند. جامعه با همین کارهای به ظاهر کوچک سرپا می‌ماند. «بنی آدم اعضای یک پیکرند» فقط یک بیت زیبا برای قاف کردن روی دیوار نیست. اگر جامعه را یک پیکر بدانیم، درد یک عضو نمی‌تواند کاملاً بی‌ارتباط با دیگر اعضا باشد. شاید تعاون و همیاری، شکل امروزی همان حرف قدیمی سعدی باشد؛ اینکه حال یکدیگر را بپرسیم، گرفتاری دیگری را فقط مسئله خودش ندانیم و باور کنیم که هیچ‌کس تقدیر بی‌نیاز نیست که روزی به دیگری احتیاج پیدا نکند.

جستار

نیره محمودی

یک نفر بدهکار است و موعد پرداخت بدهی‌اش نزدیک شده‌است. یکی دیگر برای تأمین پول رهن خانه مانده‌است. جوانی می‌خواهد ازدواج کند، اما هزینه‌های شروع زندگی برایش سنگین

شده‌است. کسی برای درمان یا یک اتفاق پیش‌بینی نشده به پول نیاز دارد. فردی شغلش را از دست داده و چند ماهی است دنبال کار می‌گردد. خانواده‌ای هم درگیر قسط و وام است و هر ماه باید میان چند هزینه ضروری یکی را انتخاب کند.

در چنین شرایطی، اولین واکنش ما معمولاً این است: «پول ندارم.» اما شاید سؤال دیگری هم وجود داشته باشد: اگر یک نفر به تنهایی از پس مشکلات بر نمی‌آید، آیا چند نفر می‌توانند کنار هم راهی برای حل آن پیدا کنند؟ این همان جایی است که باید دوباره سراغ مفهومی برویم که شاید در زندگی مدرن کم‌ترنگ شده‌است، اما رمای یکی از پایه‌های زندگی اجتماعی ایرانیان بود: «همیاری.» تعاون در اینجا نه به معنای شرکت تعاونی، تعاونی مسکن یا تعاونی مصرف است؛ منظور همان معنای قدیمی و انسانی آن است؛ چند نفر از خانواده، فامیل، دوستان یا همسایه‌ها کنار هم قرار بگیرند تا گری‌ی از زندگی یکدیگر باز کنند. گاهی هر کس مبلغ کوچکی می‌تواند به ما کمک کند و در نهایت پول قابل توجهی جمع می‌شود. گاهی یک نفر ضامن می‌شود، دیگری برای پیدا کردن کار کمک می‌کند، یکی وسیله‌ای در اختیار می‌گذارد و فرد دیگری بخشی از هزینه‌را تقبل می‌کند. در روزهایی که فشار اقتصادی بیشتر شده است، شاید وقت آن رسیده باشد که این سنت قدیمی را با شکل و نیازهای امروز دوباره زنده کنیم. نسل‌های قبل با صندوق‌های خانوادگی و فامیلی‌بگانه نبودند. چند نفر هر ماه مبلغی را کنار می‌گذاشتند و این پول در زمان نیاز به یکی از اعضا می‌رسید؛ یک ماه برای هزینه درمان، ماه دیگر برای ازدواج، یک بار برای تعمیر خانه و گاهی برای شروع یک کسب‌وکار کوچک. اصل ماجرا پیچیده نبود. پول‌های کوچک و وقتی کنار هم قرار می‌گرفتند، می‌توانستند مشکل بزرگی را حل کنند. امروز هم می‌توان همین ایده را با شکل‌های جدیدتر اجرا کرد. مثلاً یک خانواده ۱۰ یا ۱۵ نفره، گروهی از دوستان قدیمی یا چند خانواده همسایه می‌توانند به ما مبلغ مشخصی کنار بگذارند و برای نیازهای ضروری اعضای گروه استفاده کنند. این پول قرار نیست جای بانک را بگیرد و قرار نیست یک صندوق مالی بزرگ ساخته شود. هدف چیز دیگری است: ایجاد یک پشتوانه کوچک برای روزهایی که یک نفر ناگهان با هزینه‌ای روبه‌رو می‌شود که از توانش خارج است. فرض کنیم ۲۰ نفر هر ماه مبلغ مشخصی کنار بگذارند. در طول یک سال، همین مبالغ کوچک می‌تواند سرمایه‌ای ایجاد کند که در مواقع ضروری به یکی از اعضای گروه برسد. شاید برای یک نفر مبلغ بزرگی نباشد، اما برای کسی که در یک بحران مالی گرفتار شده‌است، همین پشتوانه می‌تواند فاصله میان «حل شدن مشکل» و «بزرگ‌تر شدن مشکل» باشد. البته چنین کاری بدون اعتماد و شفافیت دوام نمی‌آورد. باید از ابتدا مشخص باشد چه کسی پول می‌دهد، چه کسی دریافت می‌کند، اولویت با چه کسی است و باز پرداخت چگونه انجام می‌شود. اعتماد، وقتی با نظم و شفافیت همراه شود، می‌تواند یک سرمایه واقعی باشد.

پرونده ویژه «جوان» در آستانه ۱۳ شهریور روز تعاون

گذر از وضعیت بحرانی باهمیاری ایرانی



محمدرانی

دکتري سياستگذاري عمومي و مدرس دانشگاه:



دکتر محیا شعیبی

جامعه شناس و مدرس دانشگاه:



میر سبحان سادات

روانشناس، روان درمانگر و استاد دانشگاه:



معمومه نصیری، دبیر کل باشگاه مدیریت رسانه و توسعه سواد رسانه‌ای یونسکو – ایران:

شناخت پیشینی و اعتماد نقش موثری در کاربرد شبکه‌های اجتماعی برای گسترش تعاون دارد

وقتی «دارایی‌های کوچک من»

به «توانمندی‌های بزرگ ما» تبدیل می‌شود

باشند و فرد دیگری بتواند برایش مشتری پیدا کند. یکی معلم باشد و دیگری فضایی برای برگزاری کلاس داشته باشد. تعاون در اینجا از «کمک کردن» عبور می‌کند و به «توانمند کردن» می‌رسد. هدف این نیست که فرد همیشه دستش را جلوی دیگران دراز کند، هدف این است که کمک کنیم دوباره بتوانند روی پای خودش بایستند. در شرایط اقتصادی دشوار، طبیعی است که بسیاری از مردم تصور کنند سرمایه‌ای ندارند، اما سرمایه فقط پول نیست. اعتماد، مهارت، وقت، ارتباطات، تجربه، فضای خالی خانه، ابزار کار، خودرو، دانش و حتی چند ساعت وقت در هفته هم می‌تواند سرمایه باشد. یک نفر شاید پول نداشته باشد، اما تعمیر کار خوبی باشد. دیگری شاید مهارتی نداشته باشد، اما ارتباطات شغلی گسترده‌ای داشته باشد. فرد دیگری می‌تواند است بتواند هفته‌ای چند ساعت از کودک یک خانواده مراقبت شرکت کار می‌کند و می‌تواند رزومه او را ببیند. دوست دیگری یک فرصت شغلی می‌شناسد. فرد دیگری می‌تواند چند ساعت در هفته مهارتی را به او آموزش دهد. در نهایت شاید بدون اینکه حتی یک ریال پول رد و بدل شود، یک نفر دوباره سر کار بر گردد. همین اتفاق درباره بسیاری از مسائل دیگر هم ممکن است. یکی خانواده‌ای دارد که مدتی خالی است و می‌تواند برای چند ماه در اختیار خانواده‌ای قرار بگیرد. دیگری وسیله‌ای دارد که استفاده نمی‌کند. کسی خودرو دارد و در نهایت پول قابل توجهی جمع می‌شود. کمک کند. فردی معلم است و می‌تواند به فرزند خانواده‌ای که توان پرداخت کلاس خصوصی ندارد، درس بدهد. همیاری یعنی تبدیل «دارایی‌های کوچک» افراد به «توان جمعی». یک گروه، در واقع شاید بزرگ‌ترین سرمایه بسیاری از خانواده‌ها چیزی نباشد که در حساب بانکی‌شان دارند، بلکه آدم‌هایی باشند که دور و برشان هستند. یکی از جاهایی که همیاری خانوادگی می‌تواند نقش پررنگی داشته باشد، شروع زندگی جوانان است. اگر چند خانواده نزدیک، دوستان و اقوام هر کدام بخشی از یک نیاز را برعهده بگیرند، فشار می‌تواند بسیار کمتر شود. یکی بخشی از هزینه اجاره را قرض بدهد، دیگری وسیله‌ای برای خانه تهیه کند، یکی برای پیدا کردن خانه مناسب کمک کند و فرد دیگری هزینه یک بخش از مراسم را برعهده بگیرد. آنچه یک زندگی را شروع می‌کند، لزوماً یک مراسم بزرگ و پر هزینه نیست؛ گاهی یک شبکه کوچک از آدم‌هایی است که نمی‌گذارند زوج جوان احساس کنند در اولین قدم زندگی تنها هستند. همین منطق می‌تواند در مسائل سخت‌تری مانند بدهی یا آزادی یک زندانی نیز به کار گرفته شود. شاید مهم‌ترین شکل همیاری، کمک به ایجاد توانایی‌ها به شکل‌گیری یک کار کوچک منجر شود. یک نفر سرمایه دارد، حتی اگر خودش متوجه آن نباشد. یکی ارتباطات خوبی دارد، دیگری مهارتی دارد، فردی سرمایه کوچکی دارد و دیگری تجربه کسب‌وکار. ممکن است کنار هم گذاشتن همین آشپزی بلد است، دیگری فروش آنلاین می‌داند، یک نفر سرمایه اندکی دارد و دیگری در شبکه‌های اجتماعی مهارت دارد. شاید نتیجه، یک کسب‌وکار خانگی کوچک باشد. یا یک نفر تعمیر کار



البته وقتی از همیاری حرف می‌زنیم، همه چیز را به پول محدود کنیم. گاهی مهم‌ترین کمکی که یک نفر نیاز دارد، پول نیست. یک جوان دنبال کار است. یکی از اعضای فامیل در یک شرکت کار می‌کند و می‌تواند رزومه او را ببیند. دوست دیگری یک فرصت شغلی می‌شناسد. فرد دیگری می‌تواند چند ساعت در هفته مهارتی را به او آموزش دهد. در نهایت شاید بدون اینکه حتی یک ریال پول رد و بدل شود، یک نفر دوباره سر کار بر گردد. همین اتفاق درباره بسیاری از مسائل دیگر هم ممکن است. یکی خانواده‌ای دارد که مدتی خالی است و می‌تواند برای چند ماه در اختیار خانواده‌ای قرار بگیرد. دیگری وسیله‌ای دارد که استفاده نمی‌کند. کسی خودرو دارد و در نهایت پول قابل توجهی جمع می‌شود. گاهی یک نفر ضامن می‌شود، دیگری برای پیدا کردن کار کمک می‌کند، یکی وسیله‌ای در اختیار می‌گذارد و فرد دیگری بخشی از هزینه‌را تقبل می‌کند. در روزهایی که فشار اقتصادی بیشتر شده است، شاید وقت آن رسیده باشد که این سنت قدیمی را با شکل و نیازهای امروز دوباره زنده کنیم. نسل‌های قبل با صندوق‌های خانوادگی و فامیلی‌بگانه نبودند. چند نفر هر ماه مبلغی را کنار می‌گذاشتند و این پول در زمان نیاز به یکی از اعضا می‌رسید؛ یک ماه برای هزینه درمان، ماه دیگر برای ازدواج، یک بار برای تعمیر خانه و گاهی برای شروع یک کسب‌وکار کوچک. اصل ماجرا پیچیده نبود. پول‌های کوچک و وقتی کنار هم قرار می‌گرفتند، می‌توانستند مشکل بزرگی را حل کنند. امروز هم می‌توان همین ایده را با شکل‌های جدیدتر اجرا کرد. مثلاً یک خانواده ۱۰ یا ۱۵ نفره، گروهی از دوستان قدیمی یا چند خانواده همسایه می‌توانند به ما مبلغ مشخصی کنار بگذارند و برای نیازهای ضروری اعضای گروه استفاده کنند. این پول قرار نیست جای بانک را بگیرد و قرار نیست یک صندوق مالی بزرگ ساخته شود. هدف چیز دیگری است: ایجاد یک پشتوانه کوچک برای روزهایی که یک نفر ناگهان با هزینه‌ای روبه‌رو می‌شود که از توانش خارج است. فرض کنیم ۲۰ نفر هر ماه مبلغ مشخصی کنار بگذارند. در طول یک سال، همین مبالغ کوچک می‌تواند سرمایه‌ای ایجاد کند که در مواقع ضروری به یکی از اعضای گروه برسد. شاید برای یک نفر مبلغ بزرگی نباشد، اما برای کسی که در یک بحران مالی گرفتار شده‌است، همین پشتوانه می‌تواند فاصله میان «حل شدن مشکل» و «بزرگ‌تر شدن مشکل» باشد. البته چنین کاری بدون اعتماد و شفافیت دوام نمی‌آورد. باید از ابتدا مشخص باشد چه کسی پول می‌دهد، چه کسی دریافت می‌کند، اولویت با چه کسی است و باز پرداخت چگونه انجام می‌شود. اعتماد، وقتی با نظم و شفافیت همراه شود، می‌تواند یک سرمایه واقعی باشد.

بیشتر داشته باشیم.